

نگاه
پژوهشگر

عکس: ایرنا

درکی نوین از استراتژی هسته‌ای ایران و گزینه‌های پیش‌روی ایالات متحده آمریکا و متحدان سرانجام برجمام چه خواهد شد؟

به دست آورده و به یک کشور به اصطلاح در آستانه هسته‌ای شدن (۱) تبدیل شده است. اکنون ایران می‌تواند تنها طرف چندروزه اورانیوم غنی شده کافی برای ساخت بمب هسته‌ای را تولید کند. ایران امید آن دارد که با برجسته کردن توان ساخت بمب و پاسخ به تحریمات خاص از مسیر برداشتن گام‌های نهایی برای ساخت سلاح هسته‌ای، مانع از تحریم‌های بین‌المللی و حمله به برنامه هسته‌ای خود شود.

اما این استراتژی خالی از خطر نیست؛ ایران همچنان نسبت به هزینه‌های امنیتی احتمالی توسعه سلاح‌های هسته‌ای حساس است. متوقف کردن ایران از تولید بمب آسان نخواهد بود، اما کاهش توانمندی‌های هسته‌ای تهران، بسیار دشوارتر است. بدین سبب لازم است واکنش‌گتن ایران را در اولویت [سیاست خارجی] قرار دهد و از تمامی توان دیپلماتیک و اقتصادی خویش برای جلوگیری از فاجعه تبدیل ایران به یک کشور در آستانه هسته‌ای شدن دائمی و یا مسلح به سلاح هسته‌ای جلوگیری کند.

آن زمان که در سال ۲۰۲۳ فرانسه، آلمان و بریتانیا با این تهدید که در صورت غنی‌سازی اورانیوم تا میزان تولید سلاح و یا انتقال موشک به روسیه، باردیگر تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل علیه جمهوری اسلامی ایران را اعمال خواهند کرد؛ نخستین نشانه‌های تمایل ایران در استفاده از وضعیت در آستانه هسته‌ای شدن در مقام نیرویی بازدارنده ظاهر شد. در پاسخ به تهدید این سه کشور اروپایی عضو برجام، تهران نیز تهدید کرد که از معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای خارج می‌شود. چنین اقدامی به معنای از بین رفتن مهم‌ترین مانع قانونی پیش‌روی ایران برای تولید بمب و از بین رفتن نظارت‌های بین‌المللی بر برنامه هسته‌ای این کشور است؛ به بیانی دیگر با چنین اقدامی جهان هیچ راهی برای آگاهی از اینکه ایران در حال ساخت بمب است یا خیر نخواهد داشت. این تهدید ممکن است پیامد مطلوبی نیز داشته باشد. ایران تاکنون اورانیوم ۹۰ درصد غنی شده که برای تولید بمب هسته‌ای لازم است را تولید کرده و از سوی دیگر، اروپائین تحریم‌های بین‌المللی را اجرا نکرده است. با لاینحل باقی ماندن بحران، ممکن است باردیگر تهدیدها عملی شوند.

در پی حوادث ۷ اکتبر و جنگ متعاقب آن، استراتژی جمهوری اسلامی ایران در هشداری برای ساخت بمب هسته‌ای برجسته‌تر، علنی‌تر و عمومی‌تر شده است. در طول بحران غزه، ایران حملات به اسرائیل، نیروهای آمریکایی در منطقه و کشتیرانی بین‌المللی را با اتکاء به نیروهای نیابتی خود در منطقه افزایش داده است. در این بین، برنامه هسته‌ای ایران در مدیریت بحران منطقه نیز ایفای نقش کرده است، چرا که در طول این بحران، ایران سعی بر آن داشته تا با ترکیبی از ارسال سیگنال‌های فنی و کلامی و از این طریق، افزایش اعتبار بازدارندگی وضعیت در آستانه هسته‌ای شدن، خطرات تشدید منازعه را مدیریت کند. اینکه رهبران جمهوری اسلامی ایران، همچنان برنامه هسته‌ای را اکنون توجه خود قرار داده‌اند بدان معناست که از نظرگاه آنان وضعیت در آستانه هسته‌ای شدن بیش از آنکه یک الزام باشد، یک دارایی (۲) محسوب می‌شود. به عنوان مثال، ایران در دسامبر گذشته پیکربندی سانت‌رفیوژهای پیشرفته خود را به تنظیماتی بازگرداند که در

که این سه کشور در تلاش هستند تا مبنای قانونی را برای بازگرداندن احتمالی تحریم‌های ایران در مرحله بعد فراهم کنند. بدین‌سان اقدام سه کشور اروپایی و در پی آن واکنش جمهوری اسلامی ایران به این تحریمات سبب شده تا بی‌تردید برنامه هسته‌ای به اصلی‌ترین موضوع سیاست خارجی رئیس‌جمهور آینده ایران تبدیل شود. از سوی دیگر دوندنمای برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری در آمریکا و امکان بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید، نگرانی‌ها را تشدید تنش‌ها در روابط ایران و غرب بر سر موضوع هسته‌ای را افزایش داده است. افزون بر این به نظر می‌رسد در زهدان بحران پرور خاورمیانه بحرانی تازه در ابعادی وسیع‌تر از جنگ غزه در شرف زاده شدن است. شواهد از آن حکایت دارد که رژیم صهیونیستی برای انجام حمله‌ای گسترده علیه حزب الله لبنان آماده می‌شود و آمریکا نیز به رغم کوشش‌های دیپلماتیک برای جلوگیری از سربرآوردن بحرانی دیگر در منطقه بر حمایت خود از رژیم صهیونیستی تأکید می‌کند.

در میانه بحران‌هایی که بدان‌ها اشارت رفت، اکنون برداشتی نوین از استراتژی هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در حال شکل‌گیری است. این برداشت گرچه می‌پذیرد هیچ نشانه‌ای از حرکت ایران به سمت استفاده نظامی از برنامه هسته‌ای وجود ندارد اما بر آن است که رهبران جمهوری اسلامی ایران در تغییر استراتژیک بر آند تا از وضعیت «در آستانه هسته‌ای شدن» در مقام «سلاحی برای ارتقای توان بازدارندگی» خود استفاده کنند. اریک بروئر، مدیر پیشین شورای امنیت ملی آمریکا در امور مبارزه با اشاعه تسلیحات کشتار جمعی و از تحلیل‌گران برجسته پرونده هسته‌ای ایران با انتشار مقاله‌ای در فارین افرز به استراتژی نوین هسته‌ای ایران و گزینه‌های پیش‌روی آمریکا و متحدان پرداخته است. در این مقاله آمده است که: در ماه آوریل، این هنگام که جمهوری اسلامی ایران در پاسخ به حمله اسرائیل به کنسولگری خود در سوریه، بیش از ۳۰۰ پهپاد و موشک به خاک اسرائیل روانه کرد، جنگ جوشان خاورمیانه به چرخشی برای تبدیل به جنگ هسته‌ای نزدیک می‌شد. این نخستین حمله مستقیم ایران به خاک اسرائیل بود، در پی این حمله، بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز از ترس احتمال حمله‌ای تلافی‌جویانه از تأسیسات هسته‌ای ایران دور شدند. آنگونه که جهان در انتظار بود، فرمانده نظامی جمهوری اسلامی ایران و مسئول دفاع از سایت‌های هسته‌ای، آشکارا هشدار داد که اگر اسرائیل به سایت‌های ایران حمله کند تهران می‌تواند دکتترین هسته‌ای خود را تغییر دهد. این اظهار نظر تهدیدی نرم از امکان ساخت بمب هسته‌ای از سوی ایران در صورت حمله اسرائیل به سایت‌های هسته‌ای بود. تهران دیرزمانی است که از تهدید توسعه فناوری هسته‌ای برای کاهش فشارهای بین‌المللی بهره می‌برد؛ اما سخنان این مقام نظامی، گویای تحولی جدید و خطرآفرین در استراتژی [هسته‌ای] جمهوری اسلامی ایران است؛ یعنی استفاده از افزایش توانمندی‌ها برای ساخت سلاح هسته‌ای در مقام یک نیروی بازدارنده. هیچ نشانه‌ای از حرکت ایران در مسیر ساخت سلاح هسته‌ای وجود ندارد. با وجود این، در سال‌های اخیر، ایران به تدریج بسیاری از توانمندی‌های کلیدی لازم برای ساخت سلاح هسته‌ای را

مجید محمدشریفی
استادیار گروه روابط بین‌الملل
دانشگاه خوارزمی

اریک بروئر
مدیر پیشین شورای
امنیت ملی آمریکا:
**تضمین عدم بازگشت
تحریم‌های بین‌المللی
و رفع تهدید حمله
نظامی به تأسیسات
هسته‌ای ایران می‌تواند
مبنایی برای مذاکره
و یافتن راه‌حلی
دیپلماتیک باشد. این
نظرگاه به خوبی نشان
می‌دهد که تداوم
تنش‌های کنونی در
روابط ایران و آژانس
بین‌المللی انرژی
اتمی، تداوم بحران در
خاورمیانه و همچنین
افزایش فشارهای
داخلی بر رئیس‌جمهور
آتی آمریکا برای مقابله
با برنامه هسته‌ای
ایران می‌تواند بستری
برای تشدید تنش‌ها
در روابط ایران و غرب
فراهم کند**

با ناکام‌اندن مذاکرات جمهوری اسلامی ایران و کشورهای عضو برجام و فرجام بی‌سرانجام احیای موافقت‌نامه سال ۲۰۱۵، آنگونه که انتظار می‌رفت موضوع برنامه هسته‌ای به اصلی‌ترین چالش سیاست خارجی ایران تبدیل شد. گرچه در این بین سربرآوردن بحران‌هایی همچون حمله روسیه به اوکراین و در پی آن جنگ غزه، بخشی از توجهات ایالات متحده آمریکا و متحدان این کشور را بر مدیریت چنین منازعاتی معطوف کرد اما با صدور قطعنامه شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در ۵ ژوئن ۲۰۲۴ (۱۶ خرداد ۱۴۰۳) و درخواست از ایران برای همکاری با بازرسان آژانس باردیگر برنامه هسته‌ای به کانون اصلی منازعه ایران و غرب بدل شد. در قطعنامه شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که از سوی سه کشور اروپایی بریتانیا، فرانسه و آلمان پیشنهاد شده بود آمده است که: تداوم فعالیت‌های تحقیقاتی بازرسان برای انجام مؤثر فعالیت‌های راستی‌آزمایی آژانس در ایران ضروری است. سه کشور اروپایی در بیانیه‌ای مشترک، مدعی شدند که شورای حکام باید ایران را در قبال تعهدات قانونی اش پاسخگو کند. از نظرگاه این سه کشور، نهنه‌های چنین اقدامی بسیار دیر شده، بلکه ایران باید «فوراً» به‌طور کامل و بدون ابهام با آژانس همکاری کند. پیش از این سه کشور اروپایی در کوشش برای تشدید فشارها علیه جمهوری اسلامی ایران با ارسال نامه‌ای به شورای امنیت سازمان ملل متحد گرچه به «بازگشت» تحریم‌های سازمان ملل اشاره‌ای صریح نداشتند اما یادآور شدند که قطعنامه ۲۳۳۱ شورای امنیت سازمان ملل در ۱۸ اکتبر ۲۰۲۵ (۲۶ مهر ۱۴۰۴) منقضی خواهد شد و امکان اعمال تحریم‌های بین‌المللی پس از این تاریخ وجود دارد. در نامه تروئیکا آمده است که «تشدید تنش هسته‌ای ایران، برجام را توخالی کرده و ارزش آن را برای هدف عدم اشاعه [تسلیحات کشتار جمعی] کاهش داده است». دیپلمات‌های غربی و دیگر منابع نزدیک به سه کشور اروپایی بر این باورند که هدف از فرستادن این نامه تلاش برای افزایش فشار بر ایران در داخل شورای امنیت و خرید زمان برای یک راه‌حل دیپلماتیک قبل از انقضای امکان سازوکار «اسنپ‌ک» (بازگشت فوری) و اعمال مجدد تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران در سال آینده است. طبق بند مرتبط با «اسنپ‌ک» اعضا نمی‌توانند در این باره از حق وتو استفاده کنند. برخی تحلیل‌گران غربی بر این باورند که نامه سه کشور اروپایی، ممکن است کوششی برای فراهم کردن بستری «بازگشت فوری» تحریم‌های بین‌المللی باشد. به گفته یکی از این تحلیل‌گران، اشاره تروئیکا به تاریخ اکتبر ۲۰۲۵، زمانی که گزینه بازگرداندن تحریم‌های سازمان ملل منقضی می‌شود، ارتباط آن‌ها با شورای امنیت نشان می‌دهد

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

FP

تقویت فضای ضد پناه‌جویان افغان در ایران

در حالی که مسائلی مانند آزادی‌های اجتماعی، حقوق زنان و روابط آسیب‌دیده با غرب محور انتخابات‌های پیشین بود، در این دوره موضوع مهاجرت هم به‌عنوان یکی از مسائل مهم در مناظره‌ها قرار داشت. تقریباً هر یک از نامزدها در این انتخابات کنترل شده، در مورد موضوع سبیل پناه‌جویان از افغانستان و اثرات اقتصادی-اجتماعی آن در ایران، اظهار نظر کردند. تبعیض و پیش‌داوری در مورد افغان‌ها به‌تازگی در ایران تشدید شده است؛ به‌ویژه از زمانی که مشکلات اقتصادی ناشی از فساد و سوءمدیریت در داخل و بار تحریم‌های بین‌الملل از خارج به شهروندان ایران فشار آورده است. براساس واپسین سرشماری ایران در سال ۲۰۱۶ بیش از یک میلیون و ۵۸۰ هزار مهاجر با ملیت افغانستان در ایران زندگی می‌کنند که مجموعاً ۹۰ درصد از جمعیت مهاجران در ایران را تشکیل می‌دهند. از زمانی که در سال ۲۰۲۱ طالبان حکومت را در افغانستان در اختیار گرفت، براساس آمار سازمان ملل متحد اکنون ۳ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر در ایران زندگی می‌کنند. موجی از جنایات ناشی از نفرت که عمدتاً با ادبیات غیرمستولانه سیاستمداران و رسانه‌های حکومتی تحریک شده‌اند، نشان می‌دهد که فضای ایران در حال تبدیل شدن به فضایی تهدیدآمیز و ناخوشایند برای پناه‌جویان است.

آزار فیزیکی، لفظی و دیگر انواع رفتارهای تحقیرآمیز به شیوه بر خورد روتین مأموران امنیتی در گذرگاه‌های مرزی تبدیل شده است. در نبود مسئولیت‌پذیری دولت، شهروندان عادی ایران هم در برخورد‌های بد و ایلوس‌سازی از افغان‌ها همدست شده‌اند. ایرانیان از نظر اقتصادی سرخورده شده‌اند و می‌بینند که حکومت نمی‌تواند نیازهای اساسی آنها را برآورده کند. براساس گزارش بانک جهانی ۲۸ درصد از ایرانیان زیر خط فقر هستند و ۴۰ درصد دیگر هم در آستانه سقوط به زیر خط فقر قرار دارند. بیکاری جوانان بالای ۲۲ درصد مانده و تورم بالاتر از ۳۷ درصد و بالاتر از کشور جنگ‌زده یمن است.

ادبیات خصمانه دولت رئیسی که تلاش می‌کرد تا نوعی ملی‌گرایی را همراه با غیرت مذهبی مخلوط کند تا محافظه‌کاران حامی خود را بر مبنای شعار ضد مهاجرت جمع کند، باعث تقویت احساسات ضد افغان در فضای عمومی شد. هشتگ اخراج افغانی مطالبه‌میلی در فضای مجازی امروز به یکی از هشتگ‌های رایج تبدیل شده است که توسط تندروهای حامی دولت تبلیغ می‌شود. آنها می‌گویند که مشکل مهاجرت افغان‌ها باعث دستکاری در ترکیب جمعیتی ایران شده است و فرصت‌های شغلی را از بین می‌برد. محافظه‌کاران ایرانی شعارهای راست افراطی اروپا و حزب جمهوری خواه آمریکا را با تاپت می‌دهند و به‌هیچ‌وجه در نمایش دادن تمایل نشان به وانمود کردن افغان‌ها به عنوان یک هویت نژادی پست‌تر شرم نمی‌کنند. در شبکه‌های اجتماعی ایران افغان‌ها به عنوان معتاد، قاچاقچی، جانان خشن و متعزز جنسی نمایش داده می‌شوند. دولت جمهوری اسلامی تحت فشار مشکلات اقتصادی می‌گوید که دیگر منابع کافی برای میزبانی از افغان‌های بیشتر ندارد. براساس گزارشی که شورای مهاجرت دانمارک منتشر کرد، مقام‌های ایران از سال ۲۰۲۲ تاکنون بیش از یک میلیون افغان را اخراج کرده‌اند. برخی از اخراج‌شده‌ها نسبت به سوءرفتارهای مقام‌ها اعتراض کرده‌اند.

انتظار می‌رود مهاجران تازه‌وارد افغان هم با مشکلات بیشتری مواجه شوند. درست مانند دیگر کشورهایی که میزبان جمع کثیری از مهاجران هستند، نگرانی از نابودی فرصت‌های شغلی و ایجاد رکود در جامعه باعث شده است تا کلیشه‌های ضد مهاجر در ایران تقویت شود. فقدان مقام‌های معقول و منطقی که بتوانند منطق را وارد مباحث مرتبط با مهاجرت کنند، جامعه ایران که معمولاً از پیش‌رو بودن خود اطمینان دارد، در حال از بین بردن چهره‌ای است که همواره از خود به عنوان مهمان‌نواز ترویج می‌کرد و در حال نشان دادن اشکال بی‌سابقه‌ای از کاهش تحمل نژادی در ایران است.